

تاریخ و فرهنگ، سال چهل و نهم، شماره پیاپی ۹۸،  
بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۳۷-۶۰

## سنت کتاب‌آرایی ایرانی و توسعه آن در آسیای صغیر در دوره میانه\*

دکتر فرزانه فرخ فر / استادیار دانشگاه نیشابور<sup>۱</sup>

### چکیده

سنت آرایش و تزئین کتب، سابقه‌ای کهن در آسیای میانه و به خصوص در فلات ایران دارد. این هنر از عصر حاکمیت مغول و با حمایت مستقیم دربار دارای قاعده و اصولی مشخص شد و توسعه‌ای چشمگیر یافت. به تدریج آوازه فعالیت مکاتب کتاب‌آرایی ایران و کیفیت بالای آثار، سبب شد تا دولت‌های همسایه در پی کسب این تجارب و برپایی کارگاه‌هایی مشابه برآیند. سرزمین آسیای صغیر یکی از این مناطق بود که در دوره‌های مختلف تأثیرات چشمگیری را از ادب و هنر ایران و از جمله کتاب‌آرایی اخذ کرد. پرسش این است که چه عواملی سبب بسط و گسترش سنت کتاب‌آرایی ایرانی در منطقه آسیای صغیر بوده است؟ بدین منظور مجموعه عواملی که بر ورود دستاوردهای هنر کتاب‌آرایی ایران بر سرزمین آسیای صغیر در دوره میانه (از زمان حاکمیت سلاجقه‌روم تا دوران شکوفایی کتاب‌آرایی عثمانی) نقش داشته‌اند با ارجاع به منابع و اسناد موجود، معرفی و تحلیل می‌شوند. داده‌های به دست آمده بر این امر گواهند که مواردی همچون نفوذ فرهنگ و ادب ایرانی، مهاجرت هنرمندان، انتقال نسخ مصور و حضور برخی از حامیان کتاب‌آرایی ایرانی در دیار عثمانی از جمله عوامل مهم در گسترش و تداوم دستاوردهای کتاب‌آرایی ایران در آسیای صغیر بوده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** هنر ایران، کتاب‌آرایی، آسیای صغیر، سلجوقیان روم، عثمانی.

\* تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۶/۲۵؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۰۴

1. Email: farrokhfar@neyshabur.ac.ir

DOI: 10.22067/jhc.v49i1.58884

## مقدمه

با مطالعه‌ای اجمالی بر تاریخ سرزمین آسیای صغیر، ریشه‌های کهنی از فرهنگ ایران در تار و پود آن نمایان می‌شود. آن چنان که آثار گرانبهای برجای مانده بر دل کوه‌ها و در خزانه موزه‌ها از آن روزگار گواه است، این سرزمین ۳۰۰ سال جزء استان‌های شاهنشاهی هخامنشی بود و سررشته تأثیرات عمیق فرهنگ ایرانی از آن زمان هویداست (ریاحی، ۷)؛ اما نفوذ واقعی فرهنگ ایرانی در آسیای صغیر از سال ۴۶۳ ق آغاز می‌شود. زمانی که آلپ ارسلان در جنگ ملازگرد، رومانوس دیوجانس، قیصر روم شرقی را شکست داد و دروازه‌های آسیای صغیر را به روی اسلام و فرهنگ ایرانی گشود. به موازات ورود فرهنگ و ادب ایرانی به سرزمین‌های همسایگان غربی، هنر کتاب‌آرایی ایرانی نیز در این سرزمین‌ها بسط یافت و تأثیرات عمیقی بر کالبد تازه شکل گرفته نسخ خطی آسیای صغیر بر جای نهاد. جریان تأثیرپذیری از دستاوردهای مکاتب کتاب‌آرایی ایران با قدرت یافتن عثمانیان در نیمه دوم قرن نهم شدت و تا پایان قرن دهم هجری دوام یافت.

هدف اصلی این پژوهش پاسخ بدین پرسش است: چه عواملی سبب بسط و گسترش سنت کتاب‌آرایی ایرانی در منطقه آسیای صغیر از عصر حاکمیت سلجوقیان روم (قرن ششم هجری) تا دوران شکوفایی کتاب‌آرایی عثمانی (قرن دهم هجری) شده است؟ به نظر می‌رسد که ارتباطات سیاسی و فرهنگی نزدیک فیما بین دو منطقه، عامل اصلی انتقال دستاوردهای هنری ایران به آسیای صغیر بوده باشد.

## ۱- سنت کتاب‌آرایی ایرانی

کتاب‌آرایی ایرانی سابقه‌ای بس کهن و دیرینه دارد و ریشه‌های آن را می‌توان در دوران پیش از ظهور اسلام و در آثار مانویان جستجو کرد. پس از آن ترکان اویغور تحت تأثیر مانوی و آیین او، قدیمی‌ترین آثار کتاب‌آرایی که تا کنون به دست آمده، به نام خود ثبت کردند. این آثار عمدتاً در منطقه تورفان ترکستان (به خصوص در خوچوا پایتخت اویغورها)، به دست آمده‌اند (کلیم کایت، ۷۲). در آغاز ورود اسلام، نفوذ مستقیم رجال ایرانی در بدنه حکومت عباسیان، موجب گسترش هر چه بیشتر تأثیر ایرانیان در تمام شئون فرهنگی از جمله در هنرهای تصویری شد. «با گسترش یافتن نهضت ترجمه، این شهر محل تجمع بسیاری از خوشنویسان و کتاب‌آراییان شد و نسخ مصور متعددی تحت لوای این نهضت تولید گردیدند. این جریان از سال ۱۳۲ هجری و تا زمان سقوط المستعصم بالله (۶۵۶ هجری) در پایتخت عباسیان رواج داشت» (اصفهانی، ۱۹-۲۰).

بر اساس اسناد موجود، در عصر سلجوقیان هنر کتاب آرای مورد توجه شاهان بوده است. اولین و تنها دوره کامل داستان مصور فارسی که تا کنون به دست آمده، نسخه ورقه و گلشاه<sup>۱</sup> (نیمه نخست قرن هفتم هجری) منظومه عاشقانه عیوقی است. این اثر، به روشنی نشان می‌دهد که ادب ایران، متکی بر مضامین است؛ همچنان که هنر آن، هنر تمثیلی است. در حقیقت، «الگوی ذهنی هنرمند عصر سلجوقی به قراردادهای تصویری ساسانی و آسیای میانه (بودایی - مانوی) ربط داده شده است» (ملیکیان شیروانی، ۳۱).

پیدایش مکاتب کتاب آرای ایران، بدون شک از قرن هفتم هجری آغاز می‌گردد. پس از هجوم مغولان و آغاز حکمرانی ایلخانان در شهر تبریز، هنر کتاب آرای در این شهر توسعه و سبکی مشخص در آن بروز یافت. پس از آن، خاندان آل جلایر، بیش از نیم قرن، حاکمیت خود را از بغداد تا تبریز اعمال کردند و این فرصتی را پدید آورد تا هنرمندان این دو مرکز که هر کدام سابقه‌ای طولانی در کتاب آرای داشتند، از تجارب یکدیگر بهره‌ای بیشتر ببرند. این تجارب به شکل‌گیری مکتب پالایش یافته‌ای در دربار جلایریان انجامید. در پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری شاخصه‌های زیباشناسانه مکاتب کتاب آرای ایران به حد اعلای خود رسید. چنین می‌نماید که بالندگی ارزش‌ها و قابلیت‌هایی که فرهنگ ایرانی در بطن خود پروراند، به دست توانای هنرمندان مکاتب هرات تیموری و تبریز صفوی استعدادیابی شد و پس از زدودن ناخالصی‌ها و پالایش عناصر، به کمال کتاب آرای ایرانی دست یافتند. آوازه فعالیت چشمگیر مکاتب کتاب آرای ایران و تولید نسخه‌های مصور نفیس آن، موجب شد تا همسایگان شرقی و غربی، در پی برپایی کارگاه‌هایی مشابه برآیند<sup>۲</sup>. تحولات سیاسی، آشوب‌های داخلی و ناآرامی‌هایی که اواخر قرن نهم هجری بر ایران سایه افکند، کوشش دولت‌های همسایه را در اخذ دستاوردهای فرهنگی هنری ایران به ثمر نماند و آنها با فرصت‌طلبی از این شرایط، به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافتند. نیمه دوم قرن دهم هجری، دوران افول کتاب آرای ایران است که با کم‌رنگ شدن حمایت‌های درباری، و رشد تولید مرقعات هم‌زمان است. با آغاز قرن یازدهم هجری این افول شدت بیشتری گرفت و به تدریج در نیمه دوم قرن یازدهم هجری با غلبه تأثیرات نقاشی غرب، گسستن رابطه هنر و ادبیات و نیز عدم حمایت دربار از هنر و هنرمندان، سنت کتاب آرای ایرانی منسوخ شد (پاکباز، ۹۳-۱۲۸).

۱. توفیق‌پای سرای، استانبول (H.841).

۲. مهم‌ترین آنها عبارتند از: عثمانیان در آسیای صغیر، گورکانیان در هند و ازبکان در بخارا.

## ۲- عوامل تاثیرگذار در انتقال دستاوردهای کتاب‌آرایی ایران به آسیای صغیر

سرزمین آسیای صغیر<sup>۱</sup> یا آناتولی<sup>۲</sup>، پیش از آنکه به این نام معروف شود، در ادوار مختلف با اسامی نظیر ممالک روم، بلاد روم و تما آناتولیا نامیده می‌شد. امروزه آسیای صغیر به آن قسمت‌هایی از خاک ترکیه اطلاق می‌شود که در بخش آسیایی قرار دارد. این سرزمین به مثابه پلی است میان آسیا و اروپا و میان دریای سیاه و دریای مدیترانه (شکر، ۲۵).

بررسی‌ها این احتمال را مطرح می‌سازند که سنت آرایش کتب آنچنان که در ایران و در دیگر سرزمین‌های اسلامی مرسوم بوده، در آسیای صغیر رواج نداشته است (فرخ‌فر و دیگران، ۱۹-۲۹). در حقیقت نقطه آغازین فعالیت کارگاه‌های کتاب‌آرایی این سرزمین، منحصرًا تحت تاثیر فرهنگ و هنر ایرانی و از عصر حاکمیت سلجوقیان روم شکل می‌گیرد. بدین منظور آنچه در این بخش مورد مطالعه قرار می‌گیرد، به محدوده زمانی عصر سلاجقه روم تا دوران شکوفایی کتاب‌آرایی عثمانی در نیمه قرن دهم هجری تعلق دارد و به شناسایی عوامل تاثیرگذاری می‌پردازد که در انتقال دستاوردهای کتاب‌آرایی ایران به آسیای صغیر نقش عمده‌ای داشته‌اند. مهمترین این عوامل عبارتند از: نفوذ فرهنگ و ادب ایرانی بر سرزمین آسیای صغیر، مهاجرت هنرمندان کتاب‌آرایی ایرانی، فعالیت هنرمندان ایرانی در کارگاه‌های کتاب‌آرایی دربار عثمانی، وجود گنجینه آثار مصور ایرانی و حضور برخی از حامیان و صاحبان هنر ایرانی در دیار عثمانی؛ که در ادامه به شرح و تحلیل هر کدام از آنها پرداخته می‌شود:

### ۲-۱- نفوذ فرهنگ و ادب ایرانی در سرزمین آسیای صغیر

وابستگی کتاب‌آرایی ایرانی به ادبیات امری واضح و بدیهی است. به همین روی یکی از مهمترین عواملی که می‌توان از آن در زمینه سازی و ترویج سنت کتاب‌آرایی ایرانی نام برد، نفوذ فرهنگ و ادبیات فارسی است که به دنبال خود راه نفوذ هنرهای تصویری ایران و بالاخص سنت آرایش کتب را به دیار آسیای صغیر گشود. اوضاع فرهنگی ادبی آسیای صغیر را در دوره اسلامی، از نظر نفوذ فرهنگ و ادب فارسی به سه دوره مشخص می‌توان تقسیم کرد:

(۱) از آغاز حاکمیت سلجوقیان تا حمله مغول (سال ۴۶۳ تا ۶۴۱ق)،

(۲) از حمله مغول تا فتح استانبول توسط ترکان عثمانی (سال ۶۴۱ تا ۸۵۷ق)،

(۳) از فتح استانبول تا پایان دوران طلایی حاکمیت عثمانیان (سال ۸۵۷ تا پایان قرن دهم هجری).

1. Asia Minor.

2. Anatolia.

حکمرانان سلجوقی به تقلید از شاهان ایرانی در برپایی درباری با شکوه، جذب دولتمردان، دبیران، شاعران، معماران و هنرمندان ایرانی با یکدیگر رقابت می‌کردند. محیط دستگاه سلجوقیان روم یک محیط کاملاً ایرانی بود به طوری که از آن پس شعر و ادب فارسی در سراسر آسیای صغیر رواج یافت و چنان در فرهنگ مردمان آن خطه نفوذ کرد که به موجب یک آمار ۷۵٪ لغات عثمانی مخصوصاً در اصطلاحات اداری و اجتماعی و مدنی ریشه فارسی داشته‌اند (ریاحی، ۳۰). یکی از عوامل انتشار فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در قلمرو آسیای صغیر مهاجرت خاندان‌های اهل فضل و دانش مانند بهاء‌الدین سلطان‌العلماء پدر مولوی، نجم‌الدین رازی (مشهور به دایه)، اوحدالدین کرمانی، فخرالدین عراقی، سراج‌الدین ارموی، سیف‌الدین فرغانی و ناصرالدین ابن بی‌بی به این منطقه بوده است (همانجا). محیط امن و دانش پرور بلاد روم در قرن هفتم هجری عالمان و عرفای جهان اسلام و بالخصوص ایران را به این سامان کشانده بود. در قرن نهم هجری زبان فارسی تاثیر بسیاری بر زبان ترکی گذاشت تا حدی که در کمتر دوره‌ای می‌توان نظیر این نفوذ ادبی را مشاهده کرد. شعرا و نویسندگان عثمانی مانند سلجوقیان و به پیروی از روش آنان عین‌شویه و سبک گویندگان ایرانی را سرمشق خویش قرار دادند. امیرعلیشیر نوایی و عبدالرحمن جامی هر دو مورد احترام و توجه خاص دربار عثمانی بودند. به نظر می‌رسد در این دوره نیز سلاطین عثمانی، اندیشه توسعه فرهنگی دیارشان را همچون مولانا جلال‌الدین محمد بلخی که از خراسان به آن دیار مهاجرت کرد و سبب رونق محافل فرهنگی و عرفانی آن دوره شده بود، در ذهن می‌پروراندند. این علاقمندی تا حدی بود که سلطان محمد فاتح و سلطان بایزید دوم عثمانی برای این فرهیختگان مقرری فرستادند و در مکاتباتشان آنان را به دربار استانبول فراخواندند. این دعوت هرگز اجابت نگردید، لیکن امیرعلیشیر در ازای آن، غزل‌هایش را به سلطان عثمانی اهدا کرد (Necipoğlu, 138; Yoltar Yildirim, 99).

## ۲-۲- مهاجرت هنرمندان کتاب آرای ایرانی به سرزمین آسیای صغیر

مهاجرت هنرمندان ایرانی و از جمله کتاب آرایان به آسیای صغیر از دوره حکمرانی سلجوقیان روم شدت یافت. سلاطین سلجوقی روم تحت تاثیر فرهنگ و تمدن ایرانی و به پیروی از سلجوقیان بزرگ، هنرمندان و استادان فن ایرانی را به قلمرو خود جلب کرده و آنان را به خلق آثار نفیس تشویق کردند. دربار این سلاطین مرکز تجمع فرهیختگان ایرانی بود. هر چند با بررسی آثار هنر سلجوقیان روم و تشابهات بسیار نزدیک آنها با نمونه‌های موجود در ایران بر ما محرز است که هنرمندان ایرانی بسیاری، به خصوص بعد از یورش مغول، به این خطه مهاجرت کرده و در کارگاه‌های هنر سلجوقیان روم مشغول به کار شده‌اند، لیکن مشخصه کاملی از این اشخاص در دسترس نیست.

دربار امیرنشین عثمانی از بدو تاسیس، وارث دربارهای کوچک و محلی سلجوقیان روم بود. نظام

دیوانی و تشکیلات اداری سلجوقیان که تقلیدی از نظام دیوانی ایران بود به عنوان یک الگوی سیاسی از سوی امیران و سپس سلاطین عثمانی پذیرفته شد. به همین قیاس سلاطین عثمانی به پیروی از آداب و رسوم سلجوقیان روم، در ترویج فرهنگ و ادب ایرانی کوشیدند. همچون گذشته، ناآرامی‌ها و اغتشاشات موجود در ایران، سبب گردید گروه زیادی از عالمان، شاعران و هنرمندان ایرانی راهی دربار سلاطین عثمانی شوند و این سلاطین نیز به گرمی آنها را پذیرفتند. فضای شکل گرفته در دربار عثمانیان، موجبات ترویج سنت کتاب‌آرایی را فراهم کرد و همپای حضور نخبگان فرهنگ و ادب ایرانی، دعوت از کاتبان، نقاشان، مجلدان و مذهب‌ان مجرب ایرانی نیز مورد توجه قرار گرفت.

مهاجرت هنرمندان ایرانی به دیار عثمانی در پایان دوران حاکمیت تیموریان و پس از آن، از یک سو نشانگر آغاز مناسبات فرهنگی بین ایران و کشور عثمانی بعد از مجادلات سیاسی بین دو کشور در دوره تیمور بود، که در سایه آرامش و حاکمیت فرمانروایان فرهنگ دوست در هر دو کشور چنین مناسباتی برقرار گردید. از سوی دیگر هنرمندان ایرانی با مهاجرت به عثمانی، هنر خود را در این سرزمین با تربیت شاگردان و خلق آثار زیبای هنری رواج دادند.

به طور کلی دلایل متعددی که عمده‌تر در پی تحولات سیاسی رخ می‌نمودند، وجود دارند که سبب کوچ هنرمندان و کتاب‌آرایان ایرانی به دربار عثمانی گردید. در ذیل به اختصار مهم‌ترین این عوامل شرح داده می‌شوند:

#### ۲-۲-۱- اسارت

در دوران حاکمیت ترکمانان و صفویان برخی از شهرها و مراکز هنرپرور ایران چندین بار مورد تهاجم ترکان عثمانی قرار گرفت. این تهاجمات به ترتیب زمانی عبارتند از:

- سال ۸۷۸ق، دوران حکمرانی سلطان محمد فاتح دوم و اوزون حسن آق قویونلو (واقعه اوتلوق‌بلی و تصرف بخش‌های غربی ایران و بالاخص دیاربکر مرکز حکومت ترکمانان آق قویونلو)،
- سال ۹۲۰ق، دوران حکمرانی سلطان سلیم اول و شاه اسماعیل اول صفوی (واقعه چالدران و تصرف بخش‌هایی از شمال غرب و غرب ایران و بالاخص تبریز مرکز حکومت صفویان)،
- سال ۹۴۱ق، دوران حکمرانی سلطان سلیمان اول و شاه تهماسب اول صفوی (تصرف بخش‌هایی از شمال غرب و غرب ایران و بالاخص تبریز مرکز حکومت صفویان)،
- سال ۹۵۵ق، دوران حکمرانی سلطان سلیمان اول و شاه تهماسب اول صفوی (تصرف بخش‌هایی از شمال غرب و غرب ایران و بالاخص تبریز مرکز حکومت صفویان)،
- سال ۹۹۴ق، دوران حکمرانی مراد سوم و سلطان محمد خداپنده (تصرف بخش‌هایی از شمال

غرب و غرب ایران و بالاخص تبریز مرکز حکومت صفویان).

تهاجم نخست که در سال ۸۷۸ق در پی نبرد بشکنت در منطقه اوتلوق‌بلی به وقوع پیوست، موجب اسارت و انتقال بسیاری از هنرمندان کتاب‌آرای دربار ترکمان شد. تعداد هنرمندان مهاجر ترکمان، پس از پیروزی عثمانیان بر آق‌قویونلوها افزایش یافت. در بین آنها نشانچی اوزون‌حسن به نام سیدمحمد منشی سلطانی شیرازی و غیاث‌الدین مجلداصفهانی چهره‌های شناخته شده‌ای بودند (Campbell & Chong, 83).

در این بین، نبرد چالدران که در سال ۹۲۰ق رخ داد، اهمیت ویژه‌ای دارد. متعاقب این شکست، سپاهیان عثمانی به تبریز، پایتخت صفویان، هجوم بردند و پس از یک هفته اقامت در شهر، تعداد زیادی از هنرمندان تبریزی، تیموری و ترکمان که قریب بر هزار نفر/دویست خانوار تبریزی از ارباب هنر، تجار و سایر افراد شایسته و کارآمد بودند، به دربار استانبول انتقال داده شدند (اوزون چارشیلی، ۳۰۴/۲). برخی منابع این تعداد را ۷۰۰ خانوار ذکر کرده‌اند (Bayat, 667; Binney, xvii).

اغلب این افراد، یا هنرمندان دوره آق‌قویونلو در تبریز بودند و یا هنرمندانی بودند که شاه اسماعیل از شیراز، هرات و سایر مراکز هنری به تبریز آورده بود (عالی افندی، ۵). تشخیص این که کدامیک از این هنرمندان اهل تبریز و از هنرمندان ترکمان آق‌قویونلو و کدامیک از هنرمندان تیموری بودند که شاه اسماعیل از هرات به تبریز آورده بود، مشکل است. از سوی دیگر نبود اطلاعات در منابع فارسی از این هنرمندان، شناسایی آنها را با مشکل مواجه ساخته است.

پس از این جریان، غارت تبریز سه بار دیگر تکرار شد. در سال‌های ۹۴۱ و ۹۵۵ق، تبریز هنوز پایتخت صفویان بود و کارگاه‌های کتاب‌آرای آن، به تولید زیباترین نسخه‌های مصور آن روزگار مشغول بودند. هر چند در گزارش‌های این تهاجمات، هیچ سند و مدرکی دال بر به اسارت گرفتن هنرمندان ایرانی و انتقال آنها به دربار عثمانی وجود ندارد، لیکن در شرایطی که سلطان سلیمان اول آرزوی برپایی کارگاه‌هایی همپای ایران در سر می‌پروراند، بعید و دور از واقع به نظر می‌رسد که این تهاجمات منجر به غارت و انتقال برخی از هنرمندان ایرانی به دربار عثمانی نشده باشد. در مورد تهاجم ۹۹۴ق آمده است: «چون ولایات آذربایجان در این سال به تصرف رومیان درآمد، هنرمندانی چون صفائی تبریزی بنا بر ضرورت، دل از حب وطن برداشته، به همراه جمیع تبریزیان فرارنموده به دارالموحدین قزوین آمدند» (تربیت، ۲۳۰). این توصیف نه تنها بیانگر وضعیت زمان مذکور است، بلکه سندی است بر چگونگی هجوم عثمانیان در دو تهاجم قبل، ۹۴۱ و ۹۵۵ق، آنچنان که خاطره‌ای فراموش نشدنی در ذهن تبریزیان برجای گذارده بود.

۱. ژان شاردن سیاح معروف عصر صفویان، این رقم را بالغ بر ۳ هزار خانوار می‌داند که عمدتاً صنعتگرانی ارمنی بوده‌اند (شاردن، ۴۱۸).

## ۲-۲-۲- پناهندگی

عده ای از هنرمندان ایرانی احتمالاً به دنبال مجادلات سیاسی دربار تیموریان که از مرگ بیگ تا روی کار آمدن (مجدد) سلطان حسین بایقرا در سال ۸۷۵ق اتفاق افتاد، به دیار عثمانی پناهنده شده‌اند. در این دوران در کشور عثمانی، سلاطین فرهنگ دوستی همانند سلطان محمد فاتح و بایزید دوم حکومت داشتند. به نظر می‌رسد در این دوره خطاطانی از شیراز و اصفهان در دوران تیموری و بعد از آن در دوران ترکمانان به شهرهای بورسا، ادرنه و استانبول کوچ کردند. به طور مثال پس از واقعه جنگ بشکنت، شاهزاده اوغورلو محمد، فرزند اوزون حسن آق‌قویونلو، به دربار عثمانی پناهنده شد. اطلاعات در مورد این که چه کسانی وی را همراهی می‌کردند محدود است، اما اسناد موجود، نشان از علاقمندی و درک بالای او از هنر دارند (Raby & Tanindi, 74).

با به قدرت رسیدن شاه اسماعیل اول صفوی و به رسمیت شناختن مذهب شیعه، فشارهای بسیاری برای قبول آیین جدید بر اهل تسنن، که جمعیت کثیری از ایرانیان را شامل می‌شد، اعمال گردید. نحوه رفتار شاه اسماعیل با سنی مذهببان تبریز به هنگام فتح شهر که به دستور او تعدادی از اهل سنت به قتل رسیدند، شرایط نامساعدی را برای اهل تسنن به وجود آورد، که مهاجرت آنان را به کشورهای همسایه از جمله عثمانی، الزامی نمود (باربارو، ۲۲۱، ۲۵۱، ۳۱۰). در این برهه زمانی بسیاری از هنرمندان به میل و اختیار خود به سرزمین‌های همسایه در شرق و غرب کوچ نمودند. کتاب‌آرایان مشهوری همچون شاه قولی، حسین و احمد رومی از جمله این هنرمندانند که اسناد موجود شرح حال پیوستن ایشان را به دربار استانبول به اثبات می‌رسانند (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: بخشی از دفتر اهل حرف ۹۳۲ هجری (مرکز آرشیو عثمانی TS.MA.d 9706

(0004.



شاه قولی رسام: بر اساس گزارشات روزانه، وی از تبریز تبعید گردید و در آماسیه به خدمت سلطان درآمد؛ در استانبول اسم وی در محرم سال ۹۲۷ طبق دستور به دفتر الحاق گردید

مهمترین چهره هنری وابسته به دربار صفوی که به عثمانیان پناهنده شد، شاهزاده القاص میرزا، فرزند شاه اسماعیل اول صفوی، است که به سال ۹۵۴ ق به دربار استانبول پناهنده شد (جکسون و لاکهارت، قسمت دوم: ۷۷). شاهزاده صفوی با مکتب کتاب‌آرایی تبریز در دهه‌های نخست قرن دهم هجری آشنایی کامل داشت و احتمالاً بر تهیه شاهکار این مکتب، نسخه شاهنامه شاه تهماسبی نظارت داشته است. در بین همراهیان القاص میرزا به هنگام ورود به استانبول، افلاطون شیروانی، کتابدار القاص میرزا نیز حضور داشت که در زمینه تذهیب و خطاطی و نقاشی شهره بود (Tanindi, 149) و از شاهنامه‌چیان مشهور دربار عثمانی گردید.

یافتن حامی و پشتیبانی مطمئن در کنار شرایطی آرام و امن، از ملزومات اصلی خلق آثار هنری است. تحولات سیاسی و ناآرامی‌های مختلفی که در ایران در دوران مورد بحث اتفاق افتاد، مهاجرت بسیاری از اهالی هنر را در پی داشت. به طور مثال سید علی خطاط (۸۶۰ ق) را می‌توان نام برد که از هنرمندان اهالی آذربایجان بود، اما به نزد اسماعیل بیگ اسفندیار اوغلو، حاکم قسطنطنیه رفته، سپس در زمان سلطان مراد دوم در بورسا وارد شد (عالی افندی، ۶۵). هم‌زمان با او اسدالله کرمانی از شاگردان محمد کرمانی در سال ۸۶۱ ق به استانبول مهاجرت کرده، به خط نستعلیق کتابت نمود (همو، ۴۴).

در دوران شاه تهماسب اول صفوی، نیز این رویه ادامه یافت. ضمن آن که شاه تهماسب در نیمه دوران حکمرانی‌اش، رویه‌ای پارساگرایانه در پیش گرفت و نهایتاً از وی کامل اختیار کرد و دست از حمایت هنر و هنرمندان کشید. این مسئله هنرمندان و نقاشان کارگاه سلطنتی را در موقعیتی دشوار قرار داد. ظاهراً پس از این جریان هنرمندان، به دنبال مأمنی امن و حامی مطمئن راهی بلاد دیگر شدند (پاکباز، ۹۳).

### 2-3- حضور هنرمندان ایرانی در کارگاه‌های کتاب‌آرایی دربار عثمانی

#### 2-3-1- شواهد موجود در دفاتر اهل حرف

دربار عثمانی در آغاز قرن دهم هجری گروه‌های مختلفی را برای انجام خدمات گوناگون در توقاپی‌سرای گرد آورده بود. همچون هر تشکیلات دیگر، دفاتر مخصوصی که نشان دهنده مقدار معاش این گروه‌ها بود، وجود داشت. یکی از این طبقات که در دربار عثمانی خدمات مختلفی را انجام می‌داد، طبقه اهل حرف بود. اهل حرف به نظامیان و «کسانی اطلاق می‌شد که به صنایع و هنرهای دستی مشغول بودند» (Atil, 26).

امروزه دفاتری که ثبت اطلاعات هنرمندان طبقه اهل حرف در آن صورت می‌گرفت (شامل مرتبه، مقرری و ...)، به نام دفاتر اهل حرف خوانده می‌شوند. در دفاتر اهل حرف قرن دهم هجری اسامی کتاب آریایان ایرانی بسیاری به چشم می‌خورد<sup>۲</sup>. هر چند تعداد این هنرمندان چشمگیر است و عمده آنها با توجه به مرتبه بالایی که در دفاتر اهل حرف برای آنها ثبت شده، از هنرمندان شاخص دربار محسوب می‌شدند، ولیکن حضور هنرمندان ایرانی در کارگاه‌های کتاب‌آرایی تویقایی سرای چیزی فراتر از آن است که در این فهرست آمده. این اسامی تنها شامل بخش مختصری از هنرمندان نقاش ایرانی دربار می‌شوند و حال آنکه در بخش‌های کتابت و تجلید اهل حرف و به خصوص در فهرست جماعت هنرمندان رومی (ترك) نیز شاهد حضور هنرمندان ایرانی هستیم که نام آنها در فهرست هنرمندان ایرانی نیامده است (تصویر شماره ۲). اینها اسامی هستند که با القابی ایرانی همراهند و حال آنکه قطعه هنرمندان ایرانی دیگری نیز در دربار استانبول وجود داشته‌اند که فاقد القاب و پسوند‌های ایرانی بوده و اکنون شناسایی آنها مشکل و گاه غیرممکن است.



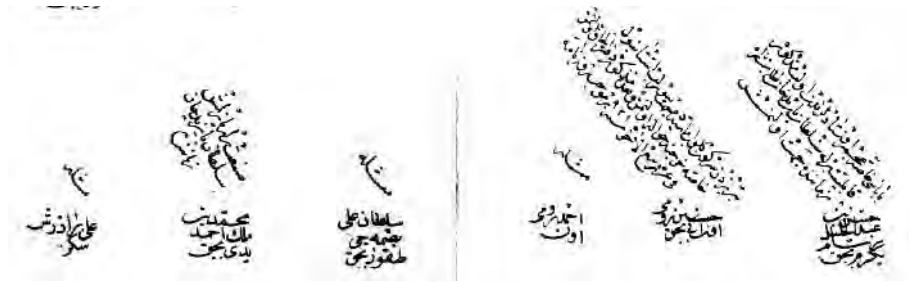
تصویر شماره ۲: بخشی از دفتر اهل حرف ۹۵۲ هجری (مرکز آرشیو عثمانی 9706 0004 TS.MA.d)

جماعت نقاشان، بلوک رومیان: شاه قولی بغدادی، حسن بن محمد، طورمش بن خیرالدین، احمد

فیروزبیک و ...

۲. هنرمندانی همچون عبدالعالی تبریزی، سلطان علی بسماجی، عبدالحمید تبریزی، محمد شاه تبریزی، علی الدین تبریزی، علی بیک تبریزی، عبدالفتاح تبریزی، عبدالخالق تبریزی، اخی بیک تبریزی، علی قولی تبریزی، امیر آغای تبریزی، عبدالغنی مصور، درویش بیک، شیخ خان، علاء الدین محمد، منصور بیک، شیخ کمال، شرف، عبدالحمید تبریزی، درویش محمد اصفهانی (دفتر اهل حرف ۹۳۲ هجری، مرکز آرشیو عثمانی 9706 0004 TS.MA.d).

به غیر از هنرمندانی که ذکر شدند، اسناد آرشیو عثمانی اطلاعات مفیدی در خصوص چگونگی الحاق برخی از کتاب آرایان ایرانی به دربار استانبول ارائه می دهد (تصویر شماره ۳).<sup>۳</sup>



تصویر شماره ۳: بخشی از دفتر اهل حرف ۹۳۲ هجری (مرکز آرشیو عثمانی TS.MA.d 9706 0004) حسین ابن عبدالجلیل رسام: پدرش از استادان عجم دربار بود و نام وی در زمان حکمرانی سلطان بایزید دوم ثبت گردید.

حسین رومی: بر اساس گزارشات روزانه، وی از تبریز تبعید گردید و در آماسیه به خدمت شاه درآمد؛ در استانبول مزد وی به خزانه خاصه واگذار شد و نام وی به دفتر مذکور در ماه ربیع الآخر ۹۲۹ ق طبق دستور الحاق شد.

#### ۲-۳-۲- نسخ مصور عثمانی

بی تردید دفاتر اهل حرف اسناد کاملی نیست و به تمامی کتاب آرایان شاغل در دربار عثمانی اشاره نکرده است. بررسی اطلاعات موجود در نسخه ها، اسناد قابل توجهی در اختیار می گذارد که گاه معرف هنرمندانی ناشناخته هستند. به عنوان مثال هنرمند ایرانی مشهوری همچون پیر احمد ابن اسکندر که نام وی در چند سند عثمانی از جمله به عنوان عضو جماعت کاتبان خزانه امیر در یک سند بدون تاریخ که احتمالاً به سال های ۹۴۹-۹۴۳ ق مرتبط است<sup>۴</sup> و یا در صفحه کلوفون نسخه خمسه امیر علیشیر نوایی<sup>۵</sup> (۹۳۷ ق) آمده است (تصویر شماره ۴).

۳. شرح اطلاعات این هنرمندان عبارت است از: حسین رومی، احمد رومی، قاسم اصفهانی، حاجی بیک تبریزی، سلطان علی باسمة جی که از تبریز تبعید گردیدند و در آماسیه به خدمت شاه درآمدند.

4.Topkapi Palace Archive: D.7843.

5.Topkapi Palace Museum: H.802.



تصویر شماره ۴: بخشی از صفحه کلوفون خمسه امیر علیشیر نوایی، ۹۳۷ق (Yoltar Yildirim, 605)

کتابت این نسخه به دست ضعیف ترین بندگان، پیر احمد بن اسکندر پایان یافت، سال ۹۳۷ق .

اغلب نگاره‌هایی که از سوی نقاشان مهاجر ایرانی در استانبول ترسیم گردیدند، یا اسم هنرمند در آن نوشته نشده و یا برای جلب نظر بینندگان نام بهزاد، نقاش مشهور تیموری آمده است. اما از شباهت نوشته‌ها و نقاشی‌های کتب خطی نظیر منطق الطیر عطار ۹۲۱ق، دیوان عبدالرحمن جامی و دیوان امیرعلیشیرنوایی ۹۳۴ق که در نیمه نخست قرن دهم هجری در استانبول تهیه شده، با نسخه‌های مشابهی که در مراکز هنری ایران از جمله هرات تدوین گردیدند، می‌توان دریافت که اکثر آنها حاصل فعالیت هنرمندان ایرانی مهاجر به استانبول بوده است. با این شرح به نظر می‌رسد بیشتر نسخه‌های مصور زبان فارسی یا ادبی ایران موجود در دربار عثمانی، از سوی هنرمندان ایرانی اجرا شده باشند. به طور نمونه در تطبیق نگاره‌های دیوان سلطان حسین بایقرا (مکتب هرات تیموری) و سلیم‌نامه شکری (مکتب استانبول) تهیه شدند، این تأثیر پذیری مشهود است (تصویر شماره ۵).



دیوان سلطان حسین بایقرا، هرات، ۸۹۷ هجری

سلیم نامه شگری، استانبول، ۹۳۱ هجری

تصویر شماره ۵: تطبیق شیوه و سبک کتاب آرای در دو نسخه دیوان سلطان حسین بایقرا و سلیم نامه

شگری

### ۲-۳-۳- تذکره ها و منابع مکتوب

در چند سند موجود در کتابخانه‌های سلیمانیه<sup>۱</sup>، توپقاپی سرای<sup>۲</sup> و دانشگاه استانبول<sup>۳</sup>، اسامی هنرمندان ایرانی که در دوره سلطان مراد دوم، سلطان محمد دوم و بایزید اول به عثمانی مهاجرت کرده‌اند، ذکر شده است<sup>۴</sup>. این اسناد بیانگر رونق هنر خوشنویسی، تذهیب، تجلید و نقاشی تیموری در دربار عثمانی است (Serin, 597; Necipoğlu, 139; Isalm Ansiklopedyasi, 369).

در میان تذکره‌ها، در آثار میرزا حیدر دوغلات<sup>۵</sup>، مصطفی عالی افندی<sup>۶</sup>، دوست محمد هروی<sup>۱</sup>، فکری فکری سلجوقی<sup>۲</sup>، میرزا حبیب‌الله اصفهانی<sup>۳</sup>، نجیب مایل هروی<sup>۴</sup>، کریم‌زاده تبریزی<sup>۵</sup>، محمدعلی تربیت<sup>۶</sup>،

1. Süleymaniye Library

2. Topkapi Saray Museum

3. Nadir Eserler Kutufanesi, Istanbul University

۴. اسدالله کرمانی و محی‌الدین عجمی از جمله خطاطان ایرانی هستند که در زمان حاکمیت سلطان محمد اول در عثمانی می‌زیستند. همچنین یکی از مصوران ایرانی دربار سلطان محمد دوم، بابا نقاش است. اطلاعات مربوط به بابا نقاش از آلبوم نوشته شده در سرای فاتح که امروزه در کتابخانه دانشگاه استانبول نگهداری می‌شود، بدست می‌آید (Serin, 597).

۵. علاء‌الدین، سلطان محمد، قاسم شادی شاه. همچنین عبداللطیف نقاش و خوشنویس قرن دهم هجری که به استانبول منتقل شدند (دوغلات، ۲۳۴، ۳۱۷).

۶. از جمله استادان نستعلیق نویس ایرانی، نام مولانا عبدالواحد مشهدی (زمان سلطان سلیمان اول)، میر خویی حسینی (زمان سلطان سلیمان اول)، مولانا حاجی محمد تبریزی (زمان سلطان سلیمان اول)، ایلچی ابراهیم خان (۹۹۰ق زمان سلطان مراد سوم) و ملا محمد رضا (۹۹۴ق) ذکر شده‌اند. از دیگر هنرمندان این تذکره، شیخ حمدالله آماسی، مولانا ادریس (از جمله خطاطان دیوانی و سیاحت نویس ایرانی زمان سلطان بایزید دوم)، شاه قولی نقاش (زمان سلطان سلیمان اول)، استاد ولی جان (حدود ۹۹۵ق؛ زمان سلطان مراد سوم)، ملا علی سلطان (زمان سلطان سلیمان اول) و کمال مصور تبریزی (زمان سلطان سلیمان اول)، هستند که به دیار عثمانی مهاجرت کردند (عالی افندی، ۶۷-۱۰۸).

تربیت<sup>۶</sup>، خواندمیر<sup>۷</sup>، قاضی احمد قمی<sup>۸</sup> و برخی پژوهش‌های موجود از جمله در آثار یولتار یلدریم<sup>۹</sup> و اسین اتیل<sup>۱۰</sup> اطلاعاتی در خصوص الحاق برخی هنرمندان کتاب‌آرای ایرانی به دیار آسیای صغیر و به طور خاص دربار عثمانی آمده است.

## 2-4- وجود گنجینه آثار مصورایرانی در دربار عثمانی

دفاتر ثبت اموال و دارایی‌های توقیفی سرای گواه حضور بسیاری از آثار و گنجینه مصور هنر ایرانی است. تاریخ ورود این داراییها با فعالیت کارگاه‌های کتاب‌آرایی عثمانی در عصر حاکمیت سلطان بایزید دوم آغاز می‌شود. این امر با توجه به علاقه دولتمردان عثمانی به گردآوری نسخ مصور ایرانی در کتابخانه‌های خود، می‌تواند دلیلی باشد بر الگو قرار دادن این نسخ در تهیه نگاره‌های عثمانی. در جستجوهای که نگارنده در بین آرشیو نسخ مصور موزه‌های استانبول و در بین منابع مکتوب و اسناد عثمانی به عمل آورد،

۱. دوست محمد هروی از خوشنویسان هم عصر خویش به درویش عبدی بخارایی اشاره کرده که «از مردم بخارا و شاگرد میرعماد قزوینی بوده و به روم رفت و در سلک مشایخ طریقه حضرت مولانا جلال‌الدین بلخی شامل شده و به آن نسبت او را درویش عبدی مولوی می‌گفتند. سال وفات درویش عبدی را ۱۰۵۷ق نوشته اند» (فکری سلجوقی، ۴۳).

۲. فکری سلجوقی (۱۳۴۷-۱۲۸۸ق) در تذکره خود، میرخواند کاتب از شاگردان سلطنتعلی مشهدی را معرفی می‌نماید که «ظاهراً از هرات به استانبول رفته به دربار سلیمان خان معزز و مقرب گردیده است» (همو، ۴۷). در همین تذکره آمده است که «میرعماد قزوینی پس از سالها اقامت در هرات به جانب عربستان و دولت عثمانی مسافرت نمود، اما در نهایت به قزوین بازگشت» (همو، ۵۳-۵۴).

۳. دو خوشنویس دیگر به نامهای ظهیر کبیر اردبیلی و شاه قاسم تبریزی در تذکره خط و خطاطان میرزا حبیب اصفهانی آمده است که به هنگام فتح تبریز، توسط سلطان سلیم اول به روم آورده شدند (اصفهانی، ۷۶). بدیع‌الزمان میرزا از فرزندان سلطان حسین بایقرا بود که در انواع خط استاد بود و مخصوصاً نستعلیق را در نهایت درجه خوبی می‌نوشت؛ وی پس از استیلای سلطان سلیم به تبریز با او به استانبول آمد (اصفهانی، ۱۲۰). میر محمد بن عبدالاول تبریزی و مظفر علی (زمان سلطان سلیم اول) نیز از خوشنویسانی هستند که به دیار عثمانی عزیمت کردند (همو، ۱۵۴، ۱۵۷). میر حسین قزوینی، صحاف قاسم بیگ تبریزی، میرزا بیگ تبریزی، محمدزمان و ملا قاسم علی از جمله مجلداتی هستند که در دربار استانبول به کار مشغول شدند (اصفهانی، ۱۸۳). از نقاشان ایرانی آن دیار نام ولی‌جان مصور (نیمه دوم قرن دهم هجری)، میر نقاش اصفهانی (زمان سلطان سلیم اول) در تذکره میرزا حبیب اصفهانی ثبت شده است (همو، ۱۸۷).

۴. مولانا فتح‌الله کاتب از خوشنویسان و شاهنامه‌چیان<sup>۱۱</sup> که نخست در تبریز به عنوان کاتب شاه اسماعیل اول به کار مشغول بود و سپس به استانبول رفته و کتابت دستگاه سلطان سلیم اول را به عهده گرفت» (مایل هروی، ۵۲ پیشگفتار).

۵. علاء‌الدین (کاتب و نقاش) نیز از هنرمندانی است که در دوره سلیمان قانونی به عثمانی مهاجرت کرد و در معیت پدر و برادرش کمال نقاش در دربار عثمانی فعالیت داشت (کریم زاده تبریزی، ۳۵۸/۳).

۶. قاضی زاده اردبیلی از جمله خطاطان دربار شاه اسماعیل صفوی در تبریز بود که پس از فتح تبریز توسط سلطان سلیم اول به همراه سایر هنرمندان به عثمانی انتقال یافت و در آنجا شهرت فراوان بدست آورد (تربیت، ۲۵۰).

۷. علاء‌الدین محمد از جمله استادان خط نستعلیق در دربار شاه اسماعیل صفوی بود که در کتابخانه او، تعلیم خط دید و در این فن مهارت زیادی یافت. در پی اشغال تبریز از سوی سلطان سلیم اول به عثمانی رفت (خواندمیر، ۲۳۹).

۸. قاسم علی چهره گشا از نقاشان برجسته دربار سلطان حسین بایقرا بود که شاه اسماعیل صفوی او را به همراه حاجی محمد به تبریز آورد. قاسم علی در دهه ۹۵۰ق به استانبول مهاجرت کرد (قاضی احمد قمی، ۱۳۵).

۹. درویش محمد ابن عبدالله نیز از جمله چهره‌های ایرانی است که در اوایل قرن دهم هجری در توقیفی‌سرای فعالیت داشت. وی که هنرمندی چندجانبه در زمینه کتابت، تذهیب و تصویرگری بوده، احتمالاً پس از سقوط تبریز توسط شاه اسماعیل اول صفوی، به دیار عثمانی عزیمت کرده است (Yoltar Yildirim, 172).

۱۰. محمد شریف که مسئول کتابت اشعار سلاطین عثمانی بود، هنرمندی تبریزی بود که به دربار استانبول راه یافت و در کارگاه‌های هنر توقیفی‌سرای صاحب نام گردید (At I, 35).

تعدادی نسخه مصور نفیس از مکاتب مختلف کتاب آرایی ایران شناسایی شد که پس از انتقال از خاک ایران به دیار عثمانی در کتابخانه های مختلف خاندان دریاری و برخی دولتمردان عثمانی نگهداری گردید.<sup>۱</sup> در جستجوهای کتابخانه‌ای جهت کشف عوامل انتقال این آثار به آسیای صغیر، چندین عامل نقش اساسی بر عهده داشتند. عواملی همچون اعطای هدایای دیپلماتیکی، غارت و چپاول، مصادره اموال و خریداری از جمله این مواردند. در ذیل به شرح این عوامل پرداخته می‌شود:

۱. بخشی از معتبرترین این نسخ عبارتند از:

- تیمورنامه هانفی، سال کتابت ۹۵۷ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه شاه سلطان دختر سلیم اول (TSM.H.1593)
- جامع التواریخ رشید الدین، سال ۱۶-۷۱۴ق مکتب تبریز ایلخانی، متعلق به کتابخانه عثمان دوم (TSM.H.1653-4)
- خمسه امیر خسرو دهلوی، سال کتابت ۹۷۰ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه سلطان مراد سوم (TSM.H.794)
- خمسه امیر خسرو دهلوی، سال کتابت ۹۰۳ق در مکتب هرات تیموری، متعلق به کتابخانه سلطان سلیم اول (TSM.H.799)
- خمسه نظامی، سال کتابت ۹۸-۸۹۶ق در مکتب هرات تیموری، متعلق به کتابخانه سلطان بایزید دوم (Add.25900)
- خمسه نظامی، سال کتابت ۸۹۶ق در مکتب هرات تیموری، متعلق به کتابخانه سلطان سلیمان اول (London)
- خمسه نظامی، سال کتابت ۹۹۴ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه مصطفی پاشا وزیر مراد سوم (TSM.A.3559)
- خمسه نظامی، سال کتابت ۹۸۶ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه ساعتچی حسن پاشا (TSM.B.147)
- خمسه نظامی، سال ۹۹۹ق مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه سنان پاشا وزیر مراد سوم و محمد سوم (TSM.H.749)
- خمسه نظامی، سال کتابت نیمه دوم قرن نهم هجری در مکتب تبریز ترکمانان، متعلق به کتابخانه سلطان سلیم اول (TSM.H.753)
- خمسه نظامی، سال کتابت ۹۲۷ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه شاه سلطان دختر سلیم اول (TSM.H.755)
- خمسه نظامی، سال کتابت ۴۷-۹۴۵ق مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه شاه سلطان دختر سلیم اول (TSM.H.758)
- خمسه نظامی، سال کتابت اواخر قرن نهم هجری در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه سلطان سلیم اول (TSM.H.762)
- خمسه نظامی، سال کتابت ۹۱۸ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه ابراهیم پاشا وزیر سلیمان اول (TSM.H.770)
- خمسه نظامی، سال کتابت ۹۳۷ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه فرزندان سلطان سلیمان اول (TSM.H.772)
- خمسه نظامی، سال ۹۸۰ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه سنان پاشا وزیر مراد سوم و محمد سوم (TSM.H.780)
- دیوان شیخ کمال خجندی، سال کتابت ۴۳-۹۳۷ق در مکتب تبریز ترکمانان، متعلق به کتابخانه بایزید دوم (TSM.H.781)
- دیوان سلطان حسین بایقرا، سال کتابت ۸۹۸ق در مکتب هرات تیموری، متعلق به کتابخانه سلطان سلیم اول (Vienna)
- شاهنامه فردوسی مشهور به تهماسبی، سال ۵۰-۹۳۰ق مکتب تبریز صفوی، متعلق به کتابخانه سلیمان اول (IRAN/N.Y.)
- شاهنامه فردوسی، سال کتابت ۹۷۰ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه سلطان مراد سوم (Metropolitan)
- شاهنامه فردوسی، سال کتابت ۹۲۹ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه خدیجه سلطان (TSM.H.1482)
- شاهنامه فردوسی، سال کتابت ۹۶۳ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه مصطفی پاشا وزیر اعظم (TSM.H.1484)
- شاهنامه فردوسی، سال کتابت ۹۸۸ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه سنان پاشا وزیر اعظم (TSM.H.1487)
- شاهنامه فردوسی، سال کتابت ۲۷-۹۲۱ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه فرزندان سلیمان اول (TSM.H.1494)
- شاهنامه فردوسی، سال ۹۶۰ق مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه ابراهیم پاشا وزیر اعظم سلیمان اول (TSM.H.1495)
- عجایب المخلوقات قزوینی، سال کتابت ۹۷۶ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه سنان پاشا (TSM.H.403)
- کلیات سعدی، سال کتابت ۹۳۹ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه ابراهیم پاشا وزیر سلیمان اول (TSM.R.926)
- کلیات سعدی، سال کتابت ۹۳۹ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه سنان پاشا (TSM.R.924)
- مجموعه اشعار (فردوسی، نظامی و اسدی)، سال ۸۶-۷۵۹ق مکتب شیراز آل مظفر، کتابخانه سلیم اول (TSM.H.1510)
- منطق الطیر عطار نیشابوری، سال کتابت ۸۶۳ق در مکتب ترکمان گیلان، متعلق به کتابخانه (ناشناس) (London)
- مهر و مشتری عصار، سال کتابت ۹۸۸ق در مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه (ناشناس) (TSM.H.814)
- یوسف و زلیخای جامی، سال کتابت (نامشخص) مکتب شیراز صفوی، متعلق به کتابخانه مراد سوم (TSM.H.727)

## ۲-۴-۱- هدایای سیاسی

در جریان منازعات عثمانیان و ترکمانان آق قویونلو در سال ۸۷۷ق، یکی از شاهزادگان ترکمان به نام یوسف میرزا به اسارت گرفته شد. محققان این احتمال را می دهند که سه جلد آلبوم مصوری<sup>۱</sup> که در دوران حاکمیت آق قویونلوها در تبریز به اجرا در آمد و به فاصله کوتاهی به توپقاپی سرای منتقل شد، در قبال آزادسازی یوسف میرزا به دربار سلطان محمد دوم ارسال شده باشد (Campbell & Chong, 84-85).

نسخه مصور نفیس خمسه نظامی<sup>۲</sup> (۸۴۹ق) توسط شاهزاده اوغورلو محمدآق قویونلو به دربار استانبول انتقال یافت. احتمالاً این نسخه به عنوان بخشی از دارایی های این شاهزاده ترکمان به سلطان بایزید دوم عثمانی اعطاء شده است. همچنین در همین دوران فرستاده ای از ایران به حضور سلطان عثمانی رسید. نقل است که هدایای سفیر ایران چند دست فرش و چهار جلد قرآن و یک جلد تاریخ عمومی بود (هامر پورگشتال، ۷۴۷).

در سال ۹۷۵ق شاه تهماسب اول صفوی به منظور تبریک جلوس سلطان سلیم دوم بر تخت سلطنت، شاه قلی خان ترکمان حاکم ایروان را به عنوان سفیر دولت ایران به دربار استانبول گسیل نمود. شاه قلی خان به همراه ۷۲۰ نفر و ۱۹ هزار راسگله به خدمت سلطان عثمانی درآمد. شاهدان عینی این کاروان همگی بر این عقیده اند که هدایای شاه تهماسب در دید عموم بسیار چشمگیر و عظیم بوده است. یکی از خیره کننده ترین این هدایا نسخه عظیم و نفیس شاهنامه شاه تهماسب بود که برخی بزرگان عثمانی و چندی از کتب تاریخی آن روزگار، بر ابهت این اثر اشاراتی داشته اند (بلر و بلوم، ۶۲۳).

سال ۹۸۴ق، از سوی شاه تهماسب اول صفوی، به مناسبت جلوس سلطان مراد سوم (۱۰۰۳-۹۸۲ هجری)، مجدداً هدایایی با ارزش به نمایندگی لقمان خان پسر شاه قلی خان ترکمان به استانبول اعزام گردید. کاروان اعزامی توسط ۵۰۰ نفر شتر به دربار توپقاپی منتقل شد. در بین هدایای موجود، ۱۸ جلد قرآن مذهب نفیس، بیش از ۶۰ جلد دیوان اشعار فارسی و یک جلد شاهنامه فردوسی و تعدادی آلبومهای مرقع مصور وجود داشتند (Tanindi, 147-148).

## ۲-۴-۲- غارت و چپاول

واقعه اوتلوق بلی (۸۷۸ق) یکی از مهمترین وقایعی است که سبب غارت دربار و کتابخانه سلطنتی ترکمانان آق قویونلو شد و گنجینه آثار هنری غنی به دربار عثمانی دوران سلطان محمد دوم روانه گردید.

۱. توپقاپی سرای، استانبول (H.2152-H.2153-2160) و برلین، Staatsbibliothek.

۲. همان، استانبول (H.781).



بی تردید بزرگترین جریانی که منجر به غارت و چپاول آثار مکاتب کتاب‌آرای ایرانی شد، واقعه چالدران بود. حدود هشت روز اقامت سلطان سلیم اول در تبریز، پایتخت تازه تاسیس صفویان که وارث گنجینه مکاتب هنر تیموریان، ترکمانان، جلایریان و ایلخانان بود، زمانی مناسب را در اختیار سلطان عثمانی قرار داد تا گنجینه آثار هنر ایران را شناسایی و با خود به استانبول منتقل نماید (گنج، ۹-۳۷). از بین آثار مصور نفیسی که در طی این واقعه به استانبول منتقل شد، به خمسه نظامی<sup>۱</sup> ترکمانان قراقویونلو (نیمه دوم قرن ۹ق)، نسخه‌ای مشتمل بر شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، لغت فرس اسدی توسی<sup>۲</sup> متعلق به مکتب شیراز دوران شاه شجاع مظفری و خمسه نظامی<sup>۳</sup> شیراز متعلق به دوران حکمرانی شاهزاده خلیل آق قویونلو می‌توان اشاره کرد (Tanindi, 155-157).

چند سال بعد در زمان حکمرانی سلطان سلیمان اول، تبریز مجدداً توسط سپاهیان عثمانی مورد تهاجم قرار گرفت. اگرچه سند و مدرک موجهی در خصوص غارت آثار هنری شهر در دست نیست، اما بی‌تردید در چنین شرایطی، سلطان عثمانی که تشنه رونق کارگاه‌های هنری دربارش در استانبول بود، هر آن چه را که مناسب انتقال به استانبول می‌دید، با خود به همراه برده است.

القاص میرزا برادر شاه تهماسب اول صفوی پس از پناهنده شدن به دربار سلطان سلیمان اول، در بسیاری از تهاجمات عثمانیان بر ایران، در کنار سپاهیان عثمانی قرار گرفت. در سال ۹۵۵ق، هنگامی که القاص میرزا در طی دومین مبارزاتش علیه صفویان، به شهرهای همدان، قم، کاشان و اصفهان یورش برد، غنائم بسیاری برای سلطان عثمانی ارسال نمود که در بین آنها چندین کتاب مصور قرار داشت.

#### ۲-۴-۳- مصادره اموال

یکی از مهمترین شخصیت‌های ایرانی که سبب انتقال آثار هنر ایران به دربار عثمانی شد، علی قوشچی<sup>۴</sup>، منجم و ریاضیدان دربار تیموری بود که پس از مرگ الغ بیک (حک. ۸۵۰-۸۵۳ق) از سمرقند به دیار سلطان اوزون حسن آق‌قویونلو (حک. ۸۶۳-۸۸۴ق) به تبریز آمد و سپس در سال ۸۷۷ق به دعوت سلطان محمد دوم با ملتزمان فراوان و کتب نفیس بسیار به دربار سلطان محمد دوم عثمانی پیوست. کلیه دارایی‌های وی به هنگام مرگش توسط دولت عثمانی ضبط و مصادره گردید (Campbell & Chong, Necipoğlu, 138; 83).

۱. همان (H.753).

۲. همان (H.1510).

۳. همان (H.762).

۴. علاءالدین علی قوشچی از همکاران علمی الغ بیک در کار زیچ و رصدخانه بود که تا پایان کار دستیار او بود و تا حدی، شاگرد و متعهد و محرم و فرزند خوانده او بشمار می‌آمد. بعد از قتل الغ بیک به حج رفت و به اوزون حسن و سپس به دربار عثمانی پیوست (قریبانی، ۳۶۲-۳۶۱).

در دوران حکمرانی سلطان سلیم اول و پس از واقعه چالدران، شاهزاده بدیع الزمان میرزا به همراه گنجینه آثار و کتابخانه نفیس اش به استانبول منتقل گردید. نگارنده بر این عقیده است که متعاقب مرگ زود هنگام این شاهزاده تیموری به سال ۹۲۳ق در استانبول، قطعه‌دارایی‌های وی از سوی دولت عثمانی ضبط و مصادره گردیده‌اند. وجود نسخه‌های نفیس کتابخانه شاهزاده بدیع الزمان در گنجینه توپقاپی، این ادعا را قوت می‌بخشد. به عنوان مثال می‌توان به نسخه مصور خمسه امیر خسرو دهلوی<sup>۱</sup> (۹۰۳ق) و دیوان سلطان حسین بایقرا<sup>۲</sup> (۸۹۸ق) مکتب هرات اشاره کرد که جزء دارایی‌های شاهزاده بدیع الزمان بود و پس از فوت وی به دربار توپقاپی راه یافتند و صحنه‌هایی از آنها در تولید نسخ مصور عثمانی عیناً مورد اقتباس قرار گرفتند.

مصادره اموال سنان پاشا، وزیر اعظم عثمانیان نیز سبب انتقال بسیاری از آثار مصور ایرانی به دربار توپقاپی گردید. سنان پاشا طی ۵ دوره در فاصله سالهای ۹۸۶ق تا به هنگام مرگش در سال ۱۰۰۵ق، مقام وزارت دولت عثمانی را بر عهده داشت. وی در دوران حکمرانی سلطان مراد سوم و سلطان محمد سوم، صاحب نسخه‌های باارزش بسیاری گردید که عمدتاً به مکتب شیراز صفوی تعلق داشتند. با اعدام سنان پاشا در سال ۱۰۰۵ق املاک و دارایی‌های قابل ملاحظه وی مصادره گردید. از بین آثار مصوری که به وی تعلق داشتند می‌توان به نسخه‌های شاهنامه فردوسی<sup>۳</sup> (۹۵۰ق)، خمسه نظامی<sup>۴</sup> (۹۸۰ق)، عجائب المخلوقات قزوینی<sup>۵</sup> (۹۷۶ق)، کلیات سعدی<sup>۶</sup> (۹۷۸ق) و خمسه نظامی<sup>۷</sup> (۹۹۹-۱۰۰۰ق) اشاره کرد (Uluç, 85-86).

#### ۲-۴-۴- خریداری

یادداشت‌های موجود در برخی نسخ، اطلاعات قابل تاملی را در بردارند که هویت آنها را مشخص می‌سازد. به طور مثال یادداشت مشابهی که در دو نسخه خمسه نظامی مکتب شیراز صفوی، اولی به سال ۹۴۵-۹۴۷ق<sup>۸</sup> و دیگری ۹۴۱ق<sup>۹</sup> وجود دارد، نشانگر این مهم‌اند که این نسخ جزء دارایی‌های شاه‌سلطان دختر سلطان سلیم اول بوده‌اند (Uluç, 86). این دو نسخه بعدها برای مجموعه دربار توپقاپی از شاه

۱. توپقاپی سرای، استانبول (H.799).

۲. همان (E.H.1636).

۳. همان (H.1481).

۴. همان (H.780).

۵. همان (H.403).

۶. همان (R.924).

۷. همان (H.749).

۸. همان (H.758).

۹. همان (H.755).

سلطان خریداری شدند.

به غیر از شخصیت‌های درباری، افراد دیگری نیز به تصاحب و خریداری نسخه‌های مصور ایرانی مشتاق بودند. فرماندهان ارتش عثمانی و حتی سپاهیان در به دست آوردن این آثار تلاش می‌کردند. در فاصله سال‌های ۹۸۵-۹۹۳ ق که دوره جنگ‌های ۱۲ ساله میان ایران و عثمانی نام گرفته، ارتش عثمانی در مرز شرقی امپراتوری، مکرراً با همسایگان شرقی‌اش در تماس بود. این عامل شرایط را برای تصاحب آثار نفیس ایران، فراهم ساخت. به نظر می‌رسد بیشترین نسخ مکتب شیراز موجود در خزانه توپقاپی‌سرای، در فاصله همین سال‌ها به خاک عثمانی منتقل شده‌اند.

## 2-5- حضور برخی از حامیان و صاحبان هنر ایرانی در دربار عثمانی

از اواخر قرن نهم تا پایان قرن دهم هجری، در جریان منازعات سیاسی ایران و جدال درباریان بر سر تصاحب قدرت، برخی دولتمردان و حامیان هنر ایرانی به دربار عثمانی پناهنده شدند که جدای از انتقال گنجینه آثار و کتابخانه‌های غنی این اشخاص به استانبول، بی‌تردید رهنمون‌های ایشان نیز بر توسعه دستاوردهای نگارگری ایران بی‌تأثیر نبوده است. در جستجوهای که در این خصوص به عمل آمد، نقش بسیاری از این چهره‌ها، در فعالیت‌های هنری توپقاپی‌سرای مجهول باقی مانده است و تحقیقات بنیادین و گسترده‌تری را می‌طلبد. به طور مثال در مورد اشخاصی همچون محمد خان پسر شاهرخ‌بیگ، یا ذوالفقار خان<sup>۱</sup> و یا الامه سلطان<sup>۲</sup> که از جمله چهره‌های مهم دربار ایران در دوران شکوفایی نگارگری مکتب تبریز صفوی بوده و بی‌تردید با چگونگی هنرهای درباری ایرانی آشنایی داشته‌اند، هیچ منبع یا سند معتبری که بر نقش آنها در توسعه نگارگری ایران صحنه‌گذار، به دست نیامد.

شاهزاده اوغورلو محمد، آخرین پسر حکمران آق‌قویونلو اوزون‌حسن، در سالی که جنگ بین اوزون‌حسن و سلطان محمد دوم رخ داد (۸۸۰ ق)، به دربار عثمانی پناهنده شد. اطلاعات در مورد این که چه کسانی وی را همراهی می‌کردند محدود است اما برخی اسناد در وقایع نامه‌ها و صفحات کولفون کتاب‌های دربار سلطان محمد دوم، شرح می‌دهند که وی در استانبول اقامت گزید و در این مدت در بین نخبگان هنر درباری عثمانی زیست (Raby & Tanindi, 74). با استناد به توسعه کارگاه‌های کتاب‌آرایی دربار عثمانی که متأثر از هنر ایرانی بوده‌اند، به نظر می‌رسد اوغورلو محمد اطلاعاتی را در مورد هنر دربار ایران به سلطان عثمانی ارائه کرده باشد.

۱. ذوالفقار خان، حاکم بغداد در عصر شاه طهماسب صفوی، که به تابعیت عثمانیان در آمد و کلیدهای شهر را مخفیانه برای عثمانیان فرستاد (اوزون چارشلی، ۴۰۱).

۲. الامه سلطان از قوم تکلر بود که به خونخواهی طایفه‌اش، به شاه تهماسب اول خیانت کرد و به دربار سلطان سلیمان عثمانی پناهنده شد (سیوری، ۷۸-۷۷).

بدیع‌الزمان میرزا (د ۹۲۲ق) پسر سلطان حسین بایقرا تیموری (۸۷۵-۹۱۱ق) بود. شاعر معروف دربار تیموری امیر علیشیر نوایی علاقه خاصی به این شاهزاده داشت و در آغاز برخی از بخش‌های خمسه اش که وی آن را بین سال‌های ۸۹۰-۸۹۲ق تکمیل کرد، از او نام برده است (Uluc, 44-45). یکی از کپی‌های این خمسه<sup>۱</sup> که در هرات تولید شد، به شاهزاده تیموری بدیع‌الزمان میرزا تقدیم گردید. شاهزاده بدیع‌الزمان میرزا در فضای فرهنگی هرات رشد یافته بود و با شرایط تولید نسخ مصور آن دیار آشنایی داشت. بی‌تردید حضور این شاهزاده تیموری در دربار عثمانی، که همچون پدرانش علاقه خاصی به هنر و حمایت از آن داشت موجب افزایش تاثیرپذیری از هنر ایرانی و بر چگونگی فعالیت کارگاه‌های تویقپایی گردید.

شاهزاده القاص میرزا فرزند شاه اسماعیل اول و برادر شاه تهماسب صفوی است که پس از منازعه با شاه تهماسب، به سال ۹۵۴ق به دربار استانبول پناهنده شد (جکسون و لاکهارت، قسمت دوم: ۷۷). شاهزاده صفوی با مکتب نگارگری تبریز در دهه‌های نخست قرن دهم هجری آشنایی کامل داشت؛ شیوه‌ای که به فاصله زمانی کوتاه در عثمانی اخذ گردید و ادامه یافت. همانطور که پیشتر نیز ذکر گردید افلاطون شیروانی، کتابدار القاص میرزا که در زمینه تذهیب و خطاطی و نقاشی شهره بود، در بین همراهیان القاص میرزا به هنگام ورود به استانبول حضور داشت. احتمالاً القاص میرزا نسخه‌های با ارزش کتابخانه خود را هنگام ورود به استانبول به همراه داشته است.

### نتیجه‌گیری

مطالعات پژوهش بر این امر گواهند که مواردی چون نفوذ فرهنگ و ادب ایران، مهاجرت و فعالیت هنرمندان ایران در کارگاه‌های کتاب‌آرایی عثمانی، انتقال نسخ مصور و حضور برخی از حامیان کتاب‌آرایی ایرانی در دیار عثمانی، عوامل مهم در گسترش و تداوم دستاوردهای کتاب‌آرایی ایران در آسیای صغیر بوده‌اند.

در این میان نبرد ملازگرد و تشکیل حکومت سلاجقه روم در آسیای صغیر، نقطه عطفی در انتقال دستاوردهای کتاب‌آرایی ایرانی به سرزمین آسیای صغیر است. سلجوقیان و به دنبال آن عثمانیان، برای کسب اعتبار فرهنگی و هنری خود همواره نیازمند حضور ادبا، صنعتگران و هنرمندانی طراز اول و چیره دست بودند تا با آثار و تولیدات خود رونق و اعتبار دربار را در منطقه ارتقا بخشند. از آنجایی که ایران همسایه شرقی آسیای صغیر، مهد فرهنگ و هنر آن روزگار (در فاصله تشکیل حکومت سلاجقه روم تا دوران

1. Oxford, Bodleian Library: Elliot 287,317,339,480.

اعتلای دولت عثمانی در قرن دهم هجری) بود؛ گزینه مناسبی جهت برقراری ارتباط و اخذ دستاوردهای فرهنگی هنری آن به نظر می‌رسید. بدین سان حکمرانان آسیای صغیر و به طور خاص سلاطین عثمانی در فرصت‌های مختلف از اغتشاشات سیاسی و ناآرامی‌های ایران بهره بردند. اما بی‌تردید رشد و بالندگی مکتب کتاب‌آرای استانبول در نیمه نخست قرن دهم هجری نتیجه فعالیت کتاب‌آریان، نقاشان، مذهبیان و مجلدانحاذقی بوده است که به دلایل مختلفی همچون اسارت، پناهندگی و رفاه و امنیت شغلی از ایران مهاجرت نموده، در کارگاه‌های دربار توپقاپی در استانبول گردآمده بودند. همچنین رهنمون‌های سه شاهزاده ایرانی اوغورلو محمد، بدیع الزمان میرزا و القاص میرزا که همگی از مراکز زنده مکاتب کتاب‌آرای ایران (شیراز، هرات و تبریز) به استانبول آمده بودند و با شیوه مرسوم آن روزگار آشنایی کامل داشتند نیز در توسعه کارگاه‌های هنری عثمانی به سبک مکاتب هنری ایران بی‌تأثیر نبوده است. قطعاً رهنمون‌های ایشان تأثیرات بسیاری را بر نگارگری و آرایش نسخ دربار عثمانی بر جای گذاشته است. به موازات این جریان‌ها، اقتباس و الگوبرداری از نسخه‌های نفیس مصور ایرانی که بخشی از آنها در کتابخانه‌های سران حکومتی و در خزانه توپقاپی سرای نگهداری می‌شدند نیز خود دلیل واضحی است بر تأثیرپذیری از دستاوردهای کتاب‌آرای ایران.

بدین ترتیب در ریشه‌یابی عوامل و بررسی حضور نخستین دستاوردهای فرهنگی و هنری ایران بر خطه آسیای صغیر، عصر حاکمیت سلجوقیان بر آناتولی اهمیت ویژه‌ای دارد. تأثیرپذیری از مکاتب کتاب‌آرای ایران از این عصر آغاز گردیده و تا نیمه قرن نهم هجری مسیری رو به رشد لیکن تدریجی را می‌پیماید. پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری، دوران آشفتگی‌های سیاسی و ناآرامی‌های درون مرزی و برون مرزی ایران است. همزمان با ناآرامی‌های ایران، کشور عثمانی که پس از فتح قسطنطنیه دوران اقتدار سیاسی خود را طی می‌کرد، برای کسب هویت و اعتبار فرهنگی دربار تازه شکل گرفته‌اش در استانبول، قویله نیازمند حضور چهره‌های نخبه و برپایی محافل علمی، فرهنگی و هنری بود. نیل به این مقصود، با درک شرایط نامطلوب همسایه شرقی خود، ایران، که پیشینه فرهنگی کهن و درخشانی در منطقه داشت و بهره برداری از این موقعیت، کارآمد افتاد. دعوت از نخبگان ایرانی، حمله به مراکز حکومتی ایران، تاراج گنجینه آثار و اسارت بسیاری از چهره‌های علمی و فرهنگی آن دیار، رویای دولتمردان عثمانی را در برپایی بارگاهی پرمایه همپای دربار پادشاهان ایرانی محقق ساخت و به تدریج از اواخر قرن نهم هجری به بعد فضایی سرشار از فرهنگ و ادب و هنر ایرانی بر دربار استانبول سایه افکند. فعالیت هنرمندان مهاجر ایرانی در کارگاه‌های کتاب‌آرای وابسته به دربار عثمانی و نظارت آنها بر تولید آثار و نیز الگوبرداری از نسخ مصور نفیس ایرانی، سبب انتقال و بسط بسیاری از دست‌آوردهای زیباشناختی کتاب‌آرای ایرانی در مکتب نوپای

کتاب‌آرایی استانبول شد.

با این توصیف، روشن است که نقش ماندگار و بی‌بدیل فرهنگ و ادب ایران، عامل اولیه و اساسی در بروز دیگر عواملی بوده است که در این پژوهش به آن‌ها اشاره شد. عاملی که درگذر بیش از چهار قرن، نقش کلیدی در بسط دستاوردهای کتاب‌آرایی ایران بر آسیای صغیر و بالاخص در دولت عثمانی داشته است.

### کتابشناسی

اصفهانی، حبیب‌الله، تذکره خط و خطاطان شامل خطاطان، نقاشان مذهبیان و قاطعان جلدسازان ایرانی و عثمانی، به انضمام کلام الملوک، ترجمه رحیم چاوش، نشر مستوفی، تهران، ۱۳۶۹ش.

اوزون چارشلی، اسماعیل حقی، تاریخ عثمانی؛ جلد دوم: از فتح استانبول تا مرگ سلطان سلیمان قانونی، ترجمه وهاب ولی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸ش.

باربارو، جوزوفا، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۴۹ش.

بلر، شیلا و جان‌تان بلوم، هنر و معماری اسلامی (۱۲۵۰-۱۸۰۰ میلادی)، ترجمه دکتر یعقوب آژند، فرهنگستان هنر و انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶ش.

پاکباز، رویین، نقاشی ایران؛ از دیرباز تا امروز، نشر نارستان، تهران، ۱۳۷۹ش.  
تربت، محمدعلی، دانشمندان آذربایجان، به کوشش غلامرضا طباطبایی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ش.

ریاحی، محمدامین، نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰ش.  
جکسون، پیترو و لورنس لاکهارت، تاریخ ایران کمبریج، قسمت دوم: دوره صفوی، ترجمه تیمور قادری، انتشارات مهتاب، تهران، ۱۳۸۷ش.

خواندمیر، محمود، ایران در روزگار شاه‌اسماعیل و شاه‌تهماسب صفوی، غلامرضا طباطبائی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران، ۱۳۷۰ش.

دوغلان، محمد حیدر میرزا، تاریخ رشیدی، تصحیح عباسقلی غفاری‌فرد، مرکز نشر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۳ش.

سیوری، راجر مروین، ایران عصر صفوی، ترجمه احمد صبا، انتشارات کتاب تهران، تهران، ۱۳۶۳ش.  
شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن: با حواشی و تعلیقات و توضیحات لغوی و تاریخی و فرهنگ اصطلاحات و فهارس اعلام تصاویر عتیق و باستانی، ترجمه محمد عباسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۵ش.

شکر، محمد، سلجوقیان؛ شکست بیزانس در ملازگرد و گسترش اسلام در آناتولی، ترجمه نصرالله صالحی و علی ارطغرل، نشر ادیان، تهران، ۱۳۸۵ ش.

عالی افندی، مصطفی بن احمد، مناقب هنروران، ترجمه توفیق هاشم پور سبحانی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۹ ش.

فرخ فر، فرزانه و محمد خزائی و غلامعلی حاتم، «نگارگری عثمانی با رویکرد به دستاوردهای هنری ایران»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۹، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱ ش، ۳۰-۱۹.

فکری سلجوقی، عبدالرئوف، ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان؛ تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی بر دیباچه دوست محمد هروی، انجمن تاریخ و ادب؛ افغانستان آکادمی، نشر کرده، کابل، ۱۳۴۹ ش.

قاضی میر احمد منشی قمی، گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲ ش.

قربانی، ابوالقاسم، زندگینامه ریاضیدانان دوران اسلامی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۵ ش.

کلیم کایت، هانس یواخیم، هنر مانوی، ابوالقاسم اسماعیل پور، نشر اسطوره، تهران، ۱۳۸۴ ش.

کریم زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، انتشارات مستوفی، تهران، ۱۳۷۶ ش.

گنج، وورال، «از کاخ هشت بهشت تا کاخ توپقاپی؛ سیاهه اشیاء و اموال شاه اسماعیل غارت شده پس از چالدران»، پیام بهارستان، ترجمه اسرا دوغان و رسول جعفریان، تابستان ۱۳۹۰ ش، ۹-۳۷.

مایل هروی، نجیب، کتاب آرایه در تمدن اسلامی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲ ش.

ملیکیان شیروانی، ا.س.، «ورقه و گلشاه مصور به مینیاتورهای ایرانی قرن سیزدهم هجری؛ داستانی هزار ساله از عشق و دلدادگی»، پیام یونسکو، شماره ۲۷، ۱۳۵۰ ش: ۲۹-۳۲.

هامر پورگشتال، یوزف، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزاکی علی آبادی، به اهتمام جمشید کیانفر، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۶۸.

Atil, Esin, *the Age of Sultan Suleyman the Magnificent*, Washington DC: National Gallery of Art, 1987.

Bayat, Ali Haydar, *Türk Kültürü EL Sanatlari Dergisi*, konya, Osmanli EL Sanalarinin Gelismesinde Ehl-i Hiref Defterleri, 1997.

Binney, Edwin, *Turkish Treasures*, Portland: The Portland Art Museum, 1979.

Campbell, Caroline & Alan Chong, *Bellini and the East*, London, National Gallery Co, 2006.

*Ehl-I Hiref*, Topkap Saray Arşivi, İstanbul, T.C.Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü. (مرکز آرشیو عثمانی، دفاتر اهل حرف).

Mahir, Banu, *Osmanli Minyatur Sanati*, İstanbul, Kabalci yayinevi, İstanbul, 2005.

Necipoğlu, Gülrü, "From International Timurid to Ottoman: A Change of Taste in Sixteenth-Century Ceramic Tiles", *Muqarnas*, No: 7. 136-171, 1990.

Raby, Julian & Zeren Tanindi, *Turkish Bookbinding in the Fifteenth Century; the Foundation of an Ottoman Court Style*, London, Tim Stanley, 1993.

Serin, Muhittin, *Osmanli Hat Sanati*, İstanbul, Ankara: yeni turkiye, 2000.

Tanindi, Zeren, "Additions to Illustrated manuscript in Ottoman Workshops", *Muqarnas* no.17, 2000, 147-161.

Uluç, Lale, "the Common Timurid Heritage of the Three Capitals of Islamic Arts, in İstanbul, Isfahan, Delhi; 3 Capitals of Islamic Art", *Masterpieces Museum*, 2008, 39-53.

Uluç, Lale, "Selling to the Court: Late Sixteenth Century Manuscript Production in Shiraz", *Muqarnas*, No. 17, 2000, 73-97.

Uluç, Lale, *Turkman Governors Shiraz Artisans and Ottoman Collectors; Sixteenth Century Shiraz Manuscripts*, İstanbul, Türkiye Bankasi, 2006.

Yoltar Yildirim, Ayşin, "A 1498-99 Khusraw va Shirin: Turning the Pages of an Ottoman Illustrated Manuscript", *Muqarnas XXII*, 2005, 95-109.

Yoltar-Yildirim, Ayşin, *an Accomplished Artist of the Book at the Ottoman Court: 1515-1530, M.Uğur Derman 65 Yaş Armağan*, (Ed.I.C.Schick), İstanbul: 2000.

Yoltar Yildirim, Ayşin, "Following the Path of a Nakkash from the Akkoyunlu to the Ottoman Court", *Artibus Asiae*, No.67, 2007, 147-172.

\_\_\_\_\_, *Baba Nakkaş*, İstanbul, in İslam Ansiklopediyası, 1995.

Süleymaniye Library (Süleymaniye Kütüphanesi (<http://hazine.info/suleymaniye-library>))

Topkapı Sarayı Müzesi (<http://topkapisarayi.gov.tr/en>)

Nadir Eserler Kütüphanesi, İstanbul University ([www.istanbul.edu.tr/](http://www.istanbul.edu.tr/))